آینه

کیهان

آن دوگانه اگر در میان نبود! (یادداشت روز)

● **حسین شریعتمداری:** درباره استناد آقای روحانی به ۲۳میلیون و چند صدهزار رأی خود در مقایسه با ۱۶میلیون رأی رقیب باید گفت؛ کاستی‌های دولت یازدهم مخصوصا مواردی نظیر گسترش بیکاری، سختی معیشت مردم، تعطیلی انبوهی از کارگاه‌های تولیدی، رکود کم‌سابقه، تورم لگام‌گسیخته، حمایت از حقوق‌های نجومی، نتیجه «تقریبا هیچ» برجام که چهار سال امکانات و ظرفیت‌های نظام از مردم دریغ شده و به پای آن ریخته شده بود و... از نگاه «مردم آگاه و هوشیار ایران» پنهان نبوده است و اگر قرار بود کارنامه دولت یازدهم ملاک قضاوت و رأی مردم باشد، به یقین آرای آقای دکتر روحانی نه‌فقط به اکثریت نمی‌رسید بلکه رقمی بسیار پایین‌تر از مرز اکثریت را در پی داشت.

رأی اکثریت آقای روحانی را باید در تلاش گسترده و همه‌جانبه ایشان و برخی دیگر از دولتمردان در القای دوگانه «جنگ یا دولت فعلی»! جست‌وجو کرد. اکنون ضمن تأکید بر قانونی‌بودن ریاست‌جمهوری جناب آقای دکتر روحانی،... پرسش بعدی پیش‌کشیده می‌شود و آن، اینکه آیا جناب ایشان هنوز هم می‌توانند آن‌گونه که در مراسم تحلیف اشاره کرده‌اند ۲۳ میلیون و چندصدهزار رأی خود را نشانه تأیید دوران چهارساله دولت یازدهم از سوی ملت بدانند و در آرای یادشده، برای دوگانه «سایه جنگ یا انتخاب روحانی» هیچ حسابی باز نکنند؟!... و بالاخره، انتظار آن است که رئیس‌جمهور محترم، برای واقعیات غیرقابل انکاری که به آن اشاره شد، حساب ویژه‌ای باز کنند و در دولت دوازدهم ضعف‌های فراوان دولت یازدهم را تکرار نفرمایند!

ایران

۲۰۰ هکتار از جنگل‌های میانکاله در آتش سوخت

● **مژگان جمشیدی:** پس از گذشت سه روز از وقوع آتش‌سوزی مهیب در پناهگاه حیات وحش میانکاله در استان مازندران با تلاش مأموران محیط‌زیست و نیروهای مردمی، آتش سرکشی که هر بار بعد از مهار، بار دیگر شعله می‌کشید سرانجام در واپسین روزهای هفته گذشته به‌طور کامل خاموش شد... شبه‌جزیره میانکاله که از سه جهت جغرافیایی یعنی شمال، جنوب و شرق به تالاب بین‌المللی میانکاله و دریای خزر وصل است، در شرایطی خاکستر شد که اتفاقا هم‌سطح دریا و بدون هیچ‌گونه عارضه طبیعی و پستی و بلندی بوده و چنانچه بالگرد مجهز به بسکت و سبد آب‌پاش به منطقه اعزام می‌شد، می‌توانست در فاصله کمتر از ۲۰۰ متری دریا یا تالاب، بسکت‌های خود را از آب پر کرده و بدون طی مسافت همانجا روی شعله‌های آتش بریزد اما باز هم هیچ بالگردی برای اطفای حریق در پناهگاه حیات وحش«ی» که نزدیک به ۵۰ سال از اعلام حفاظتش می‌گذرد و به‌عنوان ذخیره گاه زیست‌کره ثبت‌شده در یونسکو را با خود یدک می‌کشد، نیامد.

اعتماد

مولاوردی: نبودن وزیر زن درجازدن است

● **بهناز عابدی:** فکر می‌کنید دخترهای امروزی می‌توانند به‌راحتی جوانی کنند؟

تعریف جوانی چیست؟ آیا در مقایسه با پسرها این مسئله را مطرح می‌کنیم یا در مقایسه با خود دخترها؟ اگر در مقایسه با پسرها باشد، می‌توانم بگویم با اغلب دخترهایی که سروکار داشته‌ام، این احساس تبعیض را می‌بینند و آن آزادی را ندارند. البته این آزادی به معنای بی‌بند و باری نیست، بلکه به معنای آزادی انتخاب، آزادی در پرداختن به علایق خود و اینهاست. بااین‌حال، اگر این مقایسه را با پسرها نداشته باشند، می‌توانند به‌راحتی جوانی کنند.

و اما سؤال آخر؛ فکر می‌کنید نبودن وزیر زن در دولت دوازدهم، برگشت به عقب است؟

در خوش‌بینانه‌ترین حالت ادامه وضع موجود را در کابینه دوازدهم خواهیم داشت که اسمش را درجازدن می‌توان گذاشت تا بازگشت به عقب.

وطن امروز

شأن ملت را پایین نیاورید

● **حسین قدیانی:** آیا ماجرای فیش‌های نجومی و مواضع شاذ دختر مدیر شاسی‌بلند و مواضع شاذتر پسر آقای عارف، مبنی بر «ژن خوب» و چه و چه، بس نبود؛ اینک نوبت رونمایی از «دله‌بازی نجومی» است؟! کاش «ژن خوب» بعضی‌ها، در میدان کاستن از مشکلات مردم، خودش را نشان می‌داد، نه سبقت‌گرفتن از همدیگر برای سلفی با اول‌حامی تحریم‌های دیروز و امروز و لابد فردای دشمن! و اما، الساعه که مشغول این متن مختصر و ان‌شاءالله مفیدم، «مشهدالرضا» هستم! لطف می‌کنید اگر کلاس این مردم را که بهترین و زیباترین و جذاب‌ترین و آسمانی‌ترین عکس‌های خود را در صحن و سرای حقیقتا رضوی می‌گیرند، با سبک‌ترین سلفی‌های ممکن، پایین نیاورید! بگذریم که خود خانم موگرینی هم، ملت ایران و جمهوری اسلامی ایران را، بیشتر به قاسم سلیمانی و شیربچه‌های مدافع امنیت سپاه قدس می‌شناسد تا مشتی دله‌باز نجومی! متن، تمام! بنا دارم با کبوتران حرم ثامن‌الحجج، سلفی عاشقانه بگیرم؛ مثل تمام این مردم نازنین...

محمدعلی ابطحی از دشواری‌های زندگی سیاسی می‌گوید

می‌خواستند زندگی شخصی‌ام را به‌هم بریزند

یک بار هم به‌خاطر مسائل اخلاقی بازجویی نشدم

عکس: رنوفه رستمی، شرق

فرزانه آئینی: محمدعلی ابطحی چهره نام‌آشنایی است. او سال‌هاست که همراه و حامی رئیس دولت اصلاحات بوده و هست. ابطحی بیشتر از اینکه به‌واسطه اقدامات اصلاح‌طلبانه و حضورش در کابینه اصلاحات شناخته شده باشد، نامش با حواشی و شایعات کوچک و بزرگی نقل محافل غیررسمی است؛ چه ایامی که ریاست دفتر رئیس‌جمهور را در دولت هفتم برعهده داشت و چه زمانی که در حوادث انتخابات سال ۸۸ پس از ۴۰ روز حبس انفرادی مصاحبه و اعترافات تلویزیونی می‌کند؛ شایعاتی که بیشتر از اینکه رزومه سیاسی او را تهدید کنند، جایگاه خانوادگی و زندگی شخصی‌اش را هدف قرار داده‌اند. او پس از قریب به سه دهه از دست‌به‌دست‌شدن این شایعات، گفت‌وگو با «شرق» را مجالی برای پاسخ‌گویی به این شایعات دانست. مصاحبه «شرق» با ابطحی دو بخش دارد که در تمام طول مصاحبه تفکیک‌ناپذیر بود؛ بخشی که به اهمیت جایگاه ریاست دفتر رؤسای جمهور و چگونگی نقش‌آفرینی او در این سمت در چهار سال اول دولت اصلاحات و چرایی برکناری‌اش از این سمت در دولت هشتم می‌پردازد و بخش دیگر بررسی شخصیت و سبک زندگی او به‌عنوان یک روحانی است که در قالب معمول حوزه نمی‌گنجد.

از محمدعلی ابطحی چهره‌های متناقضی می‌شناسیم؛ محمدعلی ابطحی اصلاح‌طلب است و پای کار خرداد ۷۶ بوده است، ابطحی‌ای که در سال ۸۸ بازداشت و با تلویزیون مصاحبه و اعترافاتی می‌کند. ابطحی‌ای که خواهرزاده روحانی مبارزی چون شهید هاشمی‌نژاد است، ابطحی‌ای که می‌گوید برای روحانی‌شدن به درگاه امام رضا نذر و نیاز کرده است، محمدعلی ابطحی کیست؟

فکر نمی‌کنم همه اینها در کنار هم تعارضی داشته باشد. اگر بحث بیشتری راجع به یک نفر طرح می‌شود لزوما آدم متضادی نیست. من علاوه‌بر اینها که شما گفتید، ابطحی در حوزه هنر و حوزه کتاب و رمان را هم می‌شناسم. اگر الان بخواهم خودم را تعریف کنم می‌گویم ابطحیِ فرهنگ و هنر را بیشتر از آنهایی که شما ذکر کردید می‌شناسم. من قبل و بعد از ورود به عالم سیاست، یک فرد فرهنگی بوده‌ام، به‌همین‌دلیل هم اوایل انقلاب و در زمان جنگ من را به رادیو فرستادند. همه این حوزه‌ها می‌تواند معرف من باشد به این معنا که من مجموعه‌ای از این حوزه‌ها هستم، خوب است اشاره کنم که من سخنرانی و منبررفتن را از سنین ۱۶، ۱۷ سالگی آغاز کردم و سخنران مراسم‌های مهمی هم بوده‌ام، البته سخنرانی‌ها و منبررفتن‌هایم مربوط به قبل و اوایل انقلاب است. آن روزها من یک چهره منبری بودم که متأسفانه الان فرصت آن را به دست نمی‌آورم.

دیگر به شما منبر نمی‌دهند؟

خیلی دلم برای منبررفتن تنگ شده، اما این روزها اداره مساجد بیشتر دست جناح راست است. به‌همین‌دلیل فرصت به ما نمی‌رسد.

اما محمدعلی ابطحی خیلی با چارچوب معمول و مرسوم حوزه و روحانیون همگون نیست.

معتقدم این تفاوت‌ها باید باشد. چرایی‌اش هم به تفاوت در جامعه برمی‌گردد. وقتی پیام‌هایی را از طریق شبکه‌های مجازی دریافت می‌کنم که به من می‌گویند: «وجود روحانی‌ای مثل تو توانسته من را هنوز پایبند روحانیت و معتقد به اسلام نگه دارد» خیلی لذت می‌برم. حس می‌کنم مبنای سنتی دینی یک مقدار جابه‌جا شده است، البته هنوز مبنای سنتی روحانیت به معنای افراد روحانی که محترم و دیندار بوده‌اند نزد مردم محترم است.

خودتان را روحانی سنتی نمی‌دانید؟

من برای اینکه طلبه شوم، کلی رازونیاز کردم. ورودم به حوزه از روی علاقه بود. روحانیون سنتی برای من و بخشی از جامعه محترم‌اند. برخی اما نه سنتی هستند، نه امروزی. همان‌ها هستند که موجب نگرانی‌اند. متأسفانه الان بزرگان حوزه هم از وضعیت حوزه گلایه‌مندند، چون متأسفانه برخی با انگیزه‌های ناخالص وارد می‌شوند. این در حالی است که زمانی که ما طلبه شدیم، هیچ‌یک از این مزایا مطرح نبود و صرفا کار دل بود. انگیزه‌های دنیوی، تبعات منفی فراوانی داشته که یکی از آنها ایجاد شکاف با مردم است. من معتقدم این شکاف باید پر شود. از سوی دیگر روحانیون و حتی مدیران ما به‌ندرت ادبیات نسل جوان را درک می‌کنند و در مقابل، جوان‌ها هم به‌ندرت ادبیات و دغدغه‌های مدیران را می‌فهمند. این فاصله سبب شده که هرکدام زندگی‌های جداگانه‌ای داشته باشند. در این فاصله کسی که سبک زندگی جوانان را بفهمد و بتواند با آنها ارتباط بگیرد مهم است و من دنبال این ارتباط هستم. البته فکر می‌کنم به دلیل ارتباطات بی‌پرده‌ای که از طریق شبکه‌های مجازی با جوانان ایجاد کرده‌ام، در این وادی موفق بوده‌ام، چراکه هرکسی می‌تواند به‌راحتی با من حرف بزند؛ تمجید کند یا فحش و ناسزا بگوید.

شما از نخستین چهره‌های سیاسی بودید که از طریق شبکه مجازی با مردم ارتباط برقرار کردید. وبلاگتان در اواسط دهه ۷۰ از پربیننده‌ترین وبلاگ‌ها بود، این یعنی شما از همان سال‌ها به دنبال ارتباط با نسل جوان بودید؟

اوایل سال ۷۲ بود که تازه اینترنت به ایران آمده بود، دنیای مجازی خیلی فضای فانتزی‌ای بود و ورود به آن خیلی هم ساده نبود. یادم می‌آید برای ورود به اینترنت ۹ پسورد لازم بود. از همان ایام من به دنبال سردرآوردن از اینترنت بودم. بعد در اولین ماه‌هایی که وبلاگ‌نویسی به حوزه وبلاگ فارسی آمد، من جزء اولین افرادی بودم که وبلاگ شخصی داشتم. آن زمان من معاون رئیس‌جمهور بودم و وبلاگ من به مرجع اخبار و ارتباطات دولت و اطلاعات بدل شده بود. بعد از پایان دولت اصلاحات تا سال ۸۸ وبلاگ من اصلی‌ترین کانال ارتباطی اصلاح‌طلبان با مردم بود؛ چون مسیرهای دیگر عمدتا بسته شده بودند. خیلی‌ها فضای مجازی سیاسی را بعد سال ۸۸ دیده و تجربه کرده‌اند اما باید بگویم پیش از آن هم فضای مجازی به مدد اصلاح‌طلبان آمده بود.

حضور در شبکه‌های مجازی و انتشار اخبار و عکس‌های غیررسمی از مقامات تا حالا برایتان دردسرساز هم شده است؟

دردسرهای حضور مجازی من اصل ماجرا بوده است. معتقدم دولت و مسئولان باید از خارج از چارچوب‌ها با مردم ارتباط بگیرند و بر این مسئله از همان دولت‌های آقای خاتمی اصرار داشتم همواره عکس‌ها و اخبار غیررسمی را منتشر کنم تا شکاف بین مردم و مسئولان را کمتر کنم. معتقدم یکی از مشکلات دولت فعلی این است که اصرار دارد در قاب و چارچوب‌های مرسوم خودش را به مردم معرفی کند و با همان چارچوب‌ها ارتباط بگیرد. من در دولت اصلاحات اصرار داشتم این قاب‌ها و چارچوب‌ها را کنار بزنم و با همان گوشی موبایلم عکس‌های غیررسمی بسیاری از هیئت دولت منتشر می‌کردم و همین هم شد که فاصله میان دولت و مردم کمتر شد. من معتقدم باید با نسل جدید و ادبیات جدید آن ارتباط بر قرار کرد، به‌ویژه اینکه من، کمی روحیه «فان» دارم و توییت‌ها و مطالب فان هم بازتاب خوبی در عالم مجازی دارد. از سوی دیگر بی‌ادبی در شبکه‌های مجازی خیلی زیاد است. مهم این است که این ادبیات را بپذیری و با آن ارتباط برقرار کنی.

در مصاحبه‌ای گفته بودید برای اینکه لباس روحانیت بپوشید به درگاه امام رضا(ع) نذر و نیاز کرده و گریه و زاری می‌کردید که هرچه زودتر روحانی شوید، اگر باز هم به سال‌های نوجوانی برگردید، همین‌قدر مشتاق طلبگی هستید؟

من روحانی‌بودن را دوست دارم؛ چون معتقدم دین در ایران یکی از نهادهای انکارناشدنی است و در همه سنت‌های ما، مراسم دینی دیده می‌شود. مثلا در مراسم عاشورا و تاسوعا، مراسم عقد شرعی، مراسم زیارت از بارگاه ائمه و... سنت‌های دینی همواره دیده می‌شود. من اصرار دارم در این جامعه بتوانم یک ادبیات مبتنی بر سنت‌های جامعه داشته باشم که به جامعه حق حیات شیرین بدهد.

از ابتدا هم نگاهتان به دین همین‌قدر لطیف بود یا می‌خواستید مثل دایی‌تان یک روحانی مبارز شوید؟

ما باید فضاها را در دوران خودشان ببینیم. ایام انقلاب هم‌زمان با اوج قدرت کمونیسم بود و به‌همین‌دلیل هم هیچ روشنفکری نبود که چپ نباشد. در روشنفکری چپ، مبارزه هم یکی از عناوین جاذبه‌دار بود. دکتر شریعتی یک مبارز چپ بود اما دیدگاه‌های مذهبی‌اش تند و انقلابی بود. من معتقدم انقلابیگری قبل انقلاب در همین لطافت روحی بعد از انقلاب است.

من جواب سؤالم را نگرفتم اما به سؤال بعدی می‌پردازیم. کارنامه سیاسی – اجرائی شما پرعنوان است، اما نقطه اوج کارنامه شما ریاست شما بر دفتر ریاست‌جمهوری در دولت هفتم است، چه شد که رئیس دفتر رئیس‌جمهور شدید؟

من از سال ۶۲ تا ۶۷ مدیر رادیو ایران بودم. آن ایام خیلی برنامه داشتم و به‌واسطه گفت‌وگوهایم شناخته شده بودم. بعد از آن هم زمانی که ۲۷، ۲۸ساله بودم معاون بین‌الملل وزیر ارشاد شدم. اما آشنایی من با آقای خاتمی به همان زمان مدیریتم در رادیو ایران برمی‌گردد که آقای خاتمی وزیر بود. چند سال بعد معاون امور بین‌الملل آقای خاتمی در وزارت ارشاد شدم. در این سمت ارتباطات خارجی خوبی به دست آوردم و تا آخر دوره وزارت ایشان من معاون بین‌الملل او بودم. با استعفای آقای خاتمی من هم استعفا دادم. در تمام این سال‌ها با آقای خاتمی دوست بودم و هستم. زمستان ۷۵ بود که در لبنان اقامت داشتم و آقای خاتمی هم مدتی به منزل ما آمد. همان ایام بحث ریاست‌جمهوری‌اش مطرح شده بود و او مشغول بررسی شرایط بود. بعد از نوروز ۷۶ که کاندیداتوری او در انتخابات هفتمین دوره ریاست‌جمهوری قطعی شد، من جدی‌تر او را همراهی کردم و با وجود اقامت خانواده‌ام در بیروت، به تهران آمدم و تا صبح روز رأی‌گیری هم در تهران ماندم، صبح دوم خرداد من و آقای خاتمی با هم رفتیم و رأی دادیم و بعد از رأی‌گیری به بیروت بازگشتم. بعد از ریاست‌جمهوری ایشان به دلیل سابقه رسانه‌ای و ارتباطاتی که داشتم من را به‌عنوان ریاست دفترشان منصوب کردند.

افرادی که به ریاست دفتر رئیس‌جمهور منصوب شده‌اند، اغلب افرادی نزدیک و معتمد رئیس دولت بوده‌اند، چرا این کرسی آن‌قدر مهم است؟

طبیعتا رئیس دفتر رئیس‌جمهور فردی است که بیشترین همراهی و ساعت حضور را در کنار رئیس‌جمهور دارد و امور مربوط به رئیس‌جمهور را رتق و فتق می‌کند. اهمیت جایگاه رئیس دفتر هم در این است که برنامه‌ریزی و مدیریت ارتباطات ریاست‌جمهوری را برعهده دارد. مقدمه‌سازی‌ها و زیرساخت‌های مربوط به برنامه و اقدامات ریاست‌جمهوری همه در اختیار رئیس دفتر است، پس طبیعی است که رئیس دفتر باید دوست، همراه و معتمد رئیس‌جمهور باشد. البته رئیس‌دفتری من به‌شدت مورد مخالفت برخی از جریان‌های سیاسی کشور بود، چون آنها با علم به اهمیت این جایگاه نگران سازماندهی عمیق اطراف رئیس‌جمهور بودند. حتی می‌توانم بگویم بیشترین مخالفت‌هایشان با رئیس‌جمهور به دلیل حضور من در این جایگاه بود.

علت این مخالفت‌ها چه بود؟

آنها حس می‌کردند من در سازماندهی اصلاحات خیلی مؤثر بودم

دفتر رئیس‌جمهور چند نفر پرسنل دارد؟

الان باید خیلی تغییر کرده باشد اما در زمان ما دفتر رئیس‌جمهور حوزه‌های متفاوتی داشت. معاونت تبلیغات که مسئول اطلاع‌رسانی برنامه‌های رئیس‌جمهور بود، معاونت سیاسی که مسئول خلاصه‌نویسی و پیوست نامه‌های دریافتی به شخص رئیس‌جمهور و در ارائه دیدگاه‌ها به رئیس‌جمهور نقش‌آفرین بود. حوزه پاسخ‌گویی که جواب‌های رئیس‌جمهور را تایپ می‌کردند و به رئیس دفتر ارائه می‌دادند. در نهایت اما باز هم رئیس دفتر بود که تصمیم می‌گرفت پاسخ‌ها چگونه ارسال شوند. حوزه دیگر، حوزه تشریفات بود که بیشتر ملاقات‌های بین‌المللی، دیدار سفرا و مدیریت برگزاری و تأمین امنیت مراسم سخنرانی و سفرهای استانی را نظم و امنیت می‌داد. بخش دیگر هم بخش بررسی درخواست ملاقات‌هاست. حوزه تأمین امنیت و چک‌وخنثی هم که جمعی مسئول تأمین امنیت محل سخنرانی و برنامه‌های ریاست‌جمهوری بودند، جمعی هم مسئول پاسخ‌گویی به نامه‌های مردمی.

سخت‌ترین و زمان‌گیرترین کار دفتر ریاست‌جمهوری چیست؟

بخش سنگین این ماجرا مربوط به جمع‌آوری نامه‌های مردمی است که بعضا با کامیون به دفتر ریاست‌جمهوری می‌رسیدند. البته بعد از مدتی برنامه‌ریزی کرده بودیم که گروه‌هایی از دفتر ریاست‌جمهوری به شهرستان‌ها عازم شوند و به نامه‌ها همان‌جا پاسخ دهند و دیگر نامه‌ای مستقیم از شهرستان‌ها به دفتر ارسال نشود.

این نامه‌ها از کجا می‌آمدند؟

متأسفانه بسیاری از نامه‌های مردمی خیلی نامه‌های قابلی نیست. برخی می‌گویند چون رئیس‌جمهور آمده به او نامه بدهیم که شاید در امور مالی گشایشی حاصل شود به‌همین‌دلیل هم تقریبا همه نامه‌های مردمی درخواست کمک مالی است. کاروان رئیس‌جمهور که وارد شهرها می‌شد، دو ماشین پشت سر ماشین رئیس‌جمهور نامه جمع‌آوری می‌کرد و در نهایت حجم انبوهی نامه روی دست کارمندان دفتر ریاست‌جمهوری باقی می‌ماند.

جمع‌آوری نامه از چه زمانی مرسوم شد؟

جمع‌آوری نامه‌های مردمی به مسئولان قبل از انقلاب هم مرسوم بود و مردم همواره عادت داشتند به مسئولان نامه بدهند. این سیستم که دو ماشین مسئول جمع‌آوری نامه‌های مردمی شوند، در زمان آقای هاشمی باب شد و به ما هم رسید. در دوران احمدی‌نژاد با شدت بیشتری ادامه یافت. با وجود این جمعی از مردم اصرار داشتند شخصا نامه را به رئیس‌جمهور بدهند و به ماشین حامل رئیس‌جمهور هجوم می‌آوردند اما باز هم فرقی نمی‌کرد و ما نامه‌ها را از رئیس‌جمهور می‌گرفتیم و در یک جا جمع‌آوری می‌کردیم و پاسخ می‌دادیم.

سرنوشت نامه‌ها چه می‌شد؟

نامه‌های درخواست کمک مالی به سازمان‌های مربوطه ارجاع می‌شد، چون رئیس‌جمهور هم نمی‌توانست از جیب خودش بپردازد. در بین نامه‌ها اما نامه‌هایی پیدا می‌شد که خیلی احساسی بود. ما آنها را از نامه‌های مالی جدا می‌کردیم و به رئیس‌جمهور ارائه می‌دادیم. آقای خاتمی هم برایشان پاسخ می‌نوشت. همان موقع کتابی هم با عنوان «پی‌نوشت‌های رئیس‌جمهور» منتشر کردیم.

صبح یک رئیس‌جمهور چگونه شروع و برنامه‌ریزی می‌شود؟

ما برنامه‌های روزانه رئیس‌جمهور را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کردیم که از منزل به مراسم، سخنرانی‌ها یا بازدیدها برود و بعد به دفتر بازگردد. برنامه‌ریزی این برنامه‌ها و اولویت‌دادن به آنها هم برعهده تیم رئیس دفتر است. گاهی هم ملاقات‌هایی در دفتر رئیس‌جمهور برگزار می‌شد. در این بین بیشتر زمان یک رئیس‌جمهور به بررسی کارتابلش و پاسخ‌گویی و دستوردادن به نامه‌های ارجاع‌شده به او می‌گذرد. در زمان ما رئیس‌جمهور یک ساعت مشخص برای رسیدگی به کارتابلش داشت.

پس یک رئیس‌جمهور بیشترین زمانش را در دفترش می‌گذراند؟

بله. همین‌طور است. رئیس‌جمهور در تمام زمان حضور در دفترش یا به مکاتبات پاسخ می‌دهد یا ملاقات حضوری با وزرا، مسئولان و رؤسای سازمان‌ها دارد. الان هم به آقای روحانی گلایه می‌کنند که خیلی کم ملاقات می‌پذیرد اما انصافا هم زمان‌دادن و تنظیم ملاقات در دفتر رئیس‌جمهور خیلی دشوار است.

خود رئیس دفتر رئیس‌جمهور فرد پرمشغله‌ای است؟

دوران ریاست دفتری، پرکارترین زمان کاری من بود. آن روزها دوران خیلی سختی بود. ما دولت را از آقای هاشمی تحویل گرفته بودیم، آیت‌الله یک سیستم جزءبینانه و دقیق داشت و رویه‌اش جا افتاده بود اما آقای خاتمی یک مدیر فرهنگی بودند و روحیات و رویه مدیریتی او متفاوت بود. همگون‌سازی این تفاوت، زمان‌بر بود. من علاوه بر تمام زمانی که رئیس‌جمهور در دفترش حضور داشت، در آنجا بودم و زمانی را هم علاوه بر آن برای پرداختن و هماهنگی امور در دفتر می‌ماندم.

می‌شود گفت یک رئیس دفتر این توانایی را دارد که شخص رئیس‌جمهور را نسبت به برخی جریان‌ها و افراد ایزوله کند؟

ایزوله که نه اما می‌تواند تعیین‌کننده باشد. رئیس‌جمهور راه‌های ارتباطی زیادی با بیرون از دفترش دارد؛ دیدارها، سخنرانی‌ها و جلسات هیئت دولت مسیرهایی است که جریان‌ها و افراد می‌توانند با رئیس‌جمهور ارتباط برقرار کنند. اما رئیس دفتر تأثیر زیادی بر سبک و نحوه ارتباطات رئیس‌جمهور دارد.

چه شد که با وجود ارتباط دوستانه و تسلطتان بر امور دفتر رئیس‌جمهوری در دوره دوم از این سمت کنار گذاشته شدید؟

دلایل مختلفی داشت. مثلا خود این تغییر و جابه‌جایی مهم بود و باعث نوآوری می‌شد. دلیل دیگر هم فشارهای سیاسی بود که بر من وارد می‌شد.

تغییر شما را نرنجاند؟

نه، من همیشه موافق تغییر بودم و هستم. در زمان حضورم در دفتر ریاست‌جمهوری حجم کار خیلی زیاد بود. همه فشارها روی من بود، خیلی دوران سختی بود، اصلا نمی‌شد زندگی کرد. من هرگز ناراحت نشدم، چراکه همچنان از دوستان آقای خاتمی بودم و بعد هم معاون پارلمانی رئیس‌جمهور شدم و پس از آن فشارها روی من کمتر می‌شد.

این فشارها چه بودند؟

آن زمان چندتا سایت بودند که علیه چهره‌های اصلاح‌طلب خبر می‌نوشتند. فضاسازی‌هایی که علیه من می‌شد و اکنون هم می‌شود، همه از این داده‌هاست؛ مثلا می‌گویند اعترافات من در دادگاه سال ۸۸ به‌خاطر مسائل شخصی بوده است، درحالی‌که باوجود این‌همه شایعات، من در زمان زندانی‌بودنم در سال ۸۸ یک‌بار هم درباره مسائل شخصی بازجویی نشدم و اتهام اخلاقی هم نداشتم، اما بیرون زندان می‌گفتند که مسائل شخصی داشته و پرونده‌ها را جلویش گذاشتند و او به هرچه آنها خواسته‌اند اعتراف کرده است. آن ایام سایتی بود به نام «گویا آ/ goyaa» که به‌همراه روزنامه‌های تندرو، تیتر زدند، «دختر ابطحی دنبال کلاس رقص»... آن روز که به خانه رفتم دخترم شوکه شده بود و دائم دیالوگ‌هایش با دوستش را که تلفنی با هم صحبت کرده بودند برایم تعریف می‌کرد و سعی داشت برایم توضیح دهد اصل ماجرا چه بوده است و مطلب سایت‌ها و روزنامه‌ها صحبت‌های دوست او بوده است، نه خود او یا اینکه یک مرتبه پخش می‌کردند من در استخر مختلط در خارج از کشور بوده‌ام. یک مورد دیگر این بود که فردی در روزنامه... علیه من ادعا کرد من را با شلوارک کنار ساحل بیروت دیده‌اند. بگذریم که من اصلا دریارفتن را دوست ندارم و در بیشتر از سه‌سالی که بیروت بودم، هرگز به دریا نرفتم. اگر بخواهم دریا بروم هم با عبا و عمامه که نمی‌روم یا عکسی دیگر از من به‌همراه چند روحانی دیگر منتشر شد که در ساحلی بودیم که خانم‌ها با بیکینی حاضر بودند، نکته جالب این عکس فتوشاپی، شلوارک‌پوشیدن ما با عمامه بود (می‌خندد). در این عکس ما لخت بودیم و عمامه بر سر داشتیم...، این موضوعات روی آرامش ما خیلی تأثیر می‌گذاشت. البته الان نگاه جامعه و سبک زندگی جامعه به این موضوع تغییر کرده است، اما این دست موضوعات در آن روزها خیلی اذیت‌کننده بود.

برخورد خانواده‌تان با این موضوعات چگونه بود؟

خوشبختانه من خانواده منسجمی دارم که همواره و باوجود این شایعات همراه و همدلم بوده‌اند. همان سال‌ها خیلی سعی کردند زندگی شخصی من را به‌هم بریزند که نتوانستند.

ادامه در صفحه ۷

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

کیهان

● فرمانده کل سپاه: پاسخ‌گویی در سپاه باید تقویت شود

● سیداحمد خاتمی: تحت هیچ شرایطی نباید نظام اسلامی و ولایت فقیه آسیب ببیند

● رسانه‌های سوری: آمریکا و اسرائیل سعی بر تیره‌کردن روابط ایران و سوریه دارند

● آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: حوزه‌های علمیه و ائمه جماعات باید پل مطمئنی بین مردم و نظام باشند

● کردزنگنه، مدیرعامل سازمان خصوصی‌سازی: سود سهام عدالت برای هر خانوار پنج‌نفره به ۹ میلیون تومان رسید

● حمید رسایی، نماینده مجلس: اصولگرایی یعنی همین که با یکدیگر مماشات نکنیم

اعتماد

● جمشیدی، سخنگوی قوه قضائیه خبر داد: توقف حکم سنگسار

● آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: حضور مردم، شرط و رکن اساسی نظام اسلامی است

● محمود احمدی‌نژاد، قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را برای اجرا به وزارت امور اقتصادی و دارایی ابلاغ کرد

● ووک یرمیک، وزیر خارجه صربستان: مذاکره تنها راه‌حل مورد توافق همگان است

● کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان: کسانی که با حکم حکومتی در انتخابات ریاست‌جمهوری نهم تأیید صلاحیت شدند، اگر دوباره وارد چرخه انتخابات شوند، صلاحیت آنها مجددا بررسی می‌شود

ایران

● مقام معظم رهبری: روند اداری بررسی نوآوری‌های علمی باید آسان شود

● احمدی‌نژاد: پای اصول انقلاب ایستاده‌ایم، آرمان‌گرایی و ایستادگی روح حرکت مجاهدت‌های خادمان ملت است

● فیروزآبادی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح: موفقیت‌های ستاد کل نیروهای مسلح مدیون ایثارگران است

● متکی، وزیر خارجه: مردم ایران همواره گفتمان را بر خشونت ترجیح داده‌اند

● سخنگوی شورای نگهبان اعلام کرد: قانون قبلی انتخابات ریاست‌جمهوری در انتخابات سال آینده لازم‌الاجراست

● حسین الحسینی، رئیس سابق مجلس لبنان: تعامل قدرتمندانه ایران با غرب مایه مباهات مسلمانان است

● حبیبی، دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی: هدفمندکردن یارانه‌ها سیاسی نیست

آفتاب

● خاتمی، عضو شورای مرکزی جامعه مدرسین: معرفی کاندیدا توسط جامعه مدرسین، بستگی به شرایط دارد

● آیت‌الله ابراهیم امینی: صداوسیما گاهی خرافات و موهومات را به مخاطبان انتقال می‌دهد

● رسول منتجب‌نیا، قائم‌مقام حزب اعتماد ملی: باید اتحاد را همراه با آزادی فکر داشته باشیم

● حسن سبحانی، نماینده مجلس: حتی یک ریال یارانه برای انرژی پرداخت نمی‌شود

● سخنگوی قوه قضائیه: نهادهای بین‌المللی می‌توانند از زندان‌های ایران بازدید کنند

● لاریجانی، رئیس مجلس: اگر وزیران به کمیسیون نیامدند سؤال را به صحن بیاورید

● وزیر بازرگانی خطاب به شهرداری‌ها: آژانس‌ها تحت پوشش نظام صنفی هستند، دخالت نکنید

● محمد خوش‌چهره: صادق‌نبودن مسئولان در گفتار و رفتار، میزان اعتماد مردم را پایین می‌آورد

● سعیدی، نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران: یکی از عوامل پیشتازی سپاه، توجه به قله بلند رهبری است

جمهوری اسلامی

● کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان: مجلس و دولت قانون جامعی برای انتخابات تدوین کنند

● رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام: مراقب باشیم طرح حذف یارانه‌ها به جامعه شوک وارد نکند

● آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: حضور مردم در عینیت‌یافتن حکومت اسلامی شرط و رکن است

اطلاعات

● مقام معظم رهبری در دیدار با دانشمندان ایرانی بر لزوم آزادسازی روند اداری بررسی طرح‌ها و نوآوری‌های علمی تأکید کردند

● احمدی‌نژاد پرداخت هرگونه کمک یا هدیه به دستگاه‌های اجرائی را ممنوع کرد

● رئیس مجلس: رأی اعتماد مجلس اتمام‌حجت با دولت است، با دولت رودربایستی نداریم

● آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: مجلس اجرای صحیح و مدبرانه طرح هدفمندکردن یارانه‌ها را پیگیری کند

● صفارهرندی، وزیر ارشاد: بهترین خبرنگاران کار حرفه‌ای را با حقیقت پیوند می‌زنند

● متکی، وزیر خارجه: مردم ایران در طول تاریخ گفتمان را ترجیح داده‌اند